

The Semantical Study of Ta'wil in the Qur'an, With the Approaches of Distributional Semantics and Radial Network Theory

Asieh Zouelm¹ Nosrat Nilsaz² Hayat Ameri³

1. PhD graduated, department of Quran and Hadith Sciences, faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: asiehzouelm@modares.ac.ir

2. Associated Professor, department of Quran and Hadith Sciences, faculty of Humanities, Tarbiat Modares university, Tehran, Iran. Email: Nilsaz@modares.ac.ir

(corresponding author)

3. Associated Professor, department of linguistics, faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: hayatameri@yahoo.com

DOI: 10.22051/tqh.2024.44808.3993

Abstract: "Ta'wil" is one of the important subjects of Quranic sciences, with many applications in Quran and hadiths. "Ta'wil of the Qur'an" has an important place due to its connection with the field of understanding. Despite the fact that different theories have been proposed to express the meaning of Ta'wil in the Qur'an, numerous works of contemporary researchers trying to find this meaning indicate the lack of a comprehensive view. The current research tries to find the meaning of "Ta'wil" in Qur'an with descriptive-analytical method, through new semantic methods. For this purpose, two methods: "Distributional Corpus Analysis" and "the Theory of Radial Network" were used, to obtain the different meanings of Ta'wil in the Qur'an. According to the Qur'anic context, and to analyse the relationship between the meanings of this word. Based on the distributional method, two general meanings of "referring to a criterion" and "origin of creating a phenomenon" were obtained for this word in Qur'an. The latter meaning has extended to four meanings: the interpretation of dreams (the origin of creating dreams), the purpose and meaning of the doer (the origin of the action), existential facts, and concepts of words (the origin of the Qur'an). By the theory of radial networks, the protoscene word "Āl", meaning "tent pillar", forms a radial network of meaning for the root "Awl". One of the achievements of the evaluation of "Ta'wil" theories with the results of semantical study of this word, is the removal of the meaning of "the End" from the set of meanings.

*Scientific
article*

Received:
2023/08/30

Accepted:
2024/09/29

Keywords:

Ta'wil
The Qur'an
Distributional
Corpus
Analysis
Radial
Network
Theory



معنی‌شناسی تأویل در قرآن با روش‌های تحلیل توزیع

پیکره‌ای و نظریه شبکه‌های شعاعی

آسیه ذوعلم^۱ نصرت نیلساز^۲ حیات عامری^۳

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

asiehzouelm@modares.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده

مسئول) Nilsaz@modares.ac.ir

۳. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

hayatameri@yahoo.com

DOI: 10.22051/tqh.2024.44808.3993

چکیده: «تأویل» از موضوعات مهم علوم قرآنی، با کاربردهای متعدد در قرآن و روایات است؛ که در میان آن‌ها «تأویل قرآن» به سبب ارتباط با حوزه فهم آن جایگاه مهمی دارد. با وجود این که نظریه‌های متفاوتی در بیان معنی تأویل در قرآن مطرح شده، آثار متعدد معاصر، نشانگر عدم بیان دیدگاهی جامع و تلاش پژوهشگران برای یافتن این معنی است. در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، از طریق روش‌های معنی‌شناسی جدید، به معنای واژه تأویل در قرآن پرداخته می‌شود. به این منظور از دو روش «تحلیل توزیع پیکره‌ای» و «نظریه شبکه‌های شعاعی» استفاده شد؛ تا با توجه به بافت قرآنی، معانی مختلف واژه تأویل در قرآن به دست آید و ارتباط میان معانی این واژه بررسی و شبکه معنایی آن ترسیم شود. بر اساس روش توزیعی، برای واژه تأویل در قرآن دو معنای کلی «رجوع به یک معیار»، و «منشأ ایجاد یک پدیده» به دست آمد؛ که معنای اخیر، خود به چهار معنا، شامل تعبیر رؤیا (منشأ ایجاد رؤیا)؛ هدف و مراد فاعل (منشأ ایجاد عمل)؛ حقایق وجودی، و مفاهیم الفاظ (منشأ ایجاد قرآن)، گسترش یافته است. در شبکه شعاعی معنا برای ریشه اول، واژه سرنمون «آل»، به معنای «ستون خیمه» سبب شکل‌گیری معانی دیگر شده و بر همین اساس معنای «عاقبت» از مجموعه معانی ذکر شده برای واژه تأویل قابل حذف است.

صص

۱۵۹-۱۸۶

مقاله

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۲/۰۶/۰۸

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۷/۰۸

کلیدواژه‌ها:

قرآن،

تأویل،

معنی‌شناسی

توزیعی،

نظریه

شبکه‌های

شعاعی.



۱. بیان مسئله

«تأویل» از موضوعات مهم علوم قرآن و حدیث است که در قرآن در موضوعات مختلفی از جمله رؤیا و حدیث، عمل و قرآن به کار رفته و به حوزه‌هایی همچون تفسیر، اصول، فلسفه و عرفان وارد شده است. کاربرد واژه تأویل در حوزه فهم متون، اهمیت شناخت آن را در نحوه برداشت از منابع دینی نشان می‌دهد. پژوهشگران قرآنی از دیرباز به‌نوعی تلاش کرده‌اند معنی تأویل و به‌ویژه تأویل قرآن را، ضمن توجه به کاربردهای این واژه در آیات و روایات بیابند. چندمعنایی، تطوّر معنایی و دیدگاه‌های متفاوت قدما در مورد این واژه، شناخت معنای آن را در قرآن مشکل‌تر ساخته است. با وجود اتفاق نظر نسبی لغت‌شناسان در مورد معنی لغوی تأویل (رجوع)، در معنای اصطلاحی آن در قرآن دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. آثار متعدد معاصر در این موضوع نشانگر عدم پاسخگویی جامع به این پرسش است؛ که پژوهشگران همچنان به دنبال یافتن آن هستند.

پیشرفت‌های زبان‌شناسی در قرن بیستم و تحلیل نظام‌مند معنا در معنی‌شناسی جدید سبب شده تبیین متون دینی در پرتو این دانش، مورد توجه اندیشمندان مسلمان باشد. با وجود پژوهش‌هایی برای شناخت تأویل با عنوان معنی‌شناسی و گاه بدون این عنوان، تا به حال روش‌های نظام‌مندی به این منظور به کار نرفته است. از میان روش‌های معنی‌شناسی، تحلیل توزیع پیکره‌ای^۱ (معنی‌شناسی توزیعی^۲) معنای واژگان را با توجه به بافت کاربردی و مقایسه با سایر واژگان می‌شناسد و نظریه شبکه‌های شعاعی^۳ روشی در تحلیل چندمعنایی واژگان است. در پژوهش حاضر به سبب اختلاف در مورد معنای واژه تأویل در قرآن و کاربردهای متعدد آن، از این دو روش استفاده می‌شود و با روش توصیفی تحلیلی، به دو سؤال پاسخ داده می‌شود:

۱- به‌کارگیری معنی‌شناسی توزیعی در قرآن، چه معنایی از واژه تأویل به دست می‌دهد؟ ۲- با استفاده از نظریه شبکه‌های شعاعی، معنای تأویل را چگونه می‌توان

1. Disributional Corpus Analysis

2. Distributional Semantics

3. Radial Network Theory

تحلیل کرد؟ به کارگیری دو روش مذکور به این منظور، به شیوه تلفیقی و همراه استفاده از روش‌های مفهومی انجام می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش شامل دو بخش پیشینه موضوع پژوهش و پیشینه روش پژوهش می‌شود. در موضوع پژوهش (معنای تأویل در قرآن)، آثار متعددی منتشر شده که شامل همه نظریه‌های تأویل در قرآن، مانند دیدگاه ابن تیمیه (د. ۷۲۸ق) در *الإکلیل فی المتشابه و التّأویل*، علامه طباطبایی (د. ۱۳۶۰ش) در *المیزان*، شهید صدر (د. ۱۳۵۹ش) در *مباحث الاصول*، آیت‌الله معرفت (د. ۱۳۸۵ش) در *التمهید و ابوزید* (د. ۲۰۱۰م) در *مفهوم النص*، می‌شود. در میان معاصران نیز آثار مستقلی در این موضوع منتشر شده است. شاکر در *روش‌های تأویل قرآن* (۱۳۷۶) به معنای تأویل قرآن در روایات می‌پردازد. «معناشناسی تأویل قرآن در پرتو معناشناسی تأویل حدیث» (عابدی، ۱۳۷۹) معنای «تأویل قرآن» را با معیار اصطلاح «تأویل حدیث» بررسی می‌کند.^۱ پاکتچی در «تأویل» (۱۳۸۵) سیر تحولات معنایی تأویل را در دوره‌های مختلف شناسایی می‌کند.^۲ «معناشناسی تأویل قرآن از منظر اهل بیت (ع)» (علوی‌نژاد، ۱۳۸۸)، با توجه به دیدگاه‌های مطرح، سطوحی از معنای تأویل قرآن معرفی می‌کند^۳ و «ماهیت‌شناسی تأویل بر اساس روایتی از تفسیر نعمانی و تأویل معروف و منکر در پرتو آن» (رضوی، ۱۳۹۱) به معنای تأویل قرآن از منظر یک روایت می‌پردازد.^۴ در هیچ یک از این آثار از روش‌های معنی‌شناسی استفاده نشده است.

پیشینه روش پژوهش، شامل آثاری است که روش‌های معنی‌شناسی تحلیل توزیع پیکره‌ای و نظریه شبکه‌های شعاعی را بر روی متون و از جمله قرآن اجرا کرده‌اند. معنی‌شناسی توزیعی یا تحلیل توزیع پیکره‌ای و کاربرست قرآنی آن، برای اولین بار در آثار زبان‌شناسی فارسی، در مقاله «کاربست معنی‌شناسی توزیعی در قرآن، مطالعه نمونه موردی ریشه - واژه فرح» (ذوعلم و دیگران، آماده انتشار) معرفی شده است.

۱. *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، (۲۴)، ۸۷-۹۴.

۲. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، شماره ۱۴، ص ۳۷۱-۳۸۰.

۳. *حسنا*، (۲)، ۳۰-۴۷.

۴. *لسان صدق*، (۳)، ۷۸-۹۵.

برخی آثار در موضوع نظریه شبکه‌های شعاعی و پیاده‌سازی آن در قرآن نیز عبارت‌اند از: کتاب معنی‌شناسی شناختی قرآن (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰)، رساله‌های دکتریه معنانشناسی شناختی واژه ذکر در قرآن کریم (رضایی کلیدری، ۱۳۹۷)^۱ و کاربست نظریه پیش‌نمونه و شبکه‌های شعاعی در معنی‌شناسی شناختی قرآن، بررسی حوزه معنایی «زبان» (نصرتی موموندی، ۱۳۹۹)^۲، مقاله‌های «کاربست نظریه پیش‌نمونه و شبکه شعاعی در معنانشناسی شناختی تقوا در قرآن» (نیلی‌پور و دیگران ۱۳۹۵)^۳، «چندمعنایی اسم و فعل در نظریه شبکه‌های شعاعی و کاربست آن در قرآن» (ذوعلم و دیگران، ۱۴۰۱). اما تنها در اثر اخیر، گام‌های پیاده‌سازی نظریه در چندمعنایی مقوله‌های اسم و فعل با معیارهای بیان شده در کتاب‌های اصلی زبان‌شناسی تبیین شده است.

نوآوری این پژوهش استفاده از روش توزیعی و نظریه شبکه‌های شعاعی، در یافتن معنای تأویل در قرآن است.

۳. مفاهیم نظری پژوهش

معنی‌شناسی^۴ مطالعه علمی معنی است؛ که یکی از گونه‌های آن معنی‌شناسی زبانی، اولین بار با عنوان «سمانتیک»^۵ از سوی برآل^۶ در ۱۸۹۳ مطرح شد (صفوی، ۱۳۹۹، ص ۲۸). در ادامه، سوسور^۷ با مطالعه نظام‌مند زبان، پایه دستاوردهای قرن بیستم را بنا نهاد (کالر، ۱۳۹۳، ص ۵). رویکردهای مختلف معنی‌شناسی هر یک از منظری به معنی می‌نگرند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: معنی‌شناسی تاریخی - فقه اللغوی^۸،

۱. رضایی کلیدری، فاطمه. رساله دکتریه. راهنما: کبری روشنفر. دانشگاه تربیت مدرس.

۲. نصرتی موموندی، فاطمه. رساله دکتریه. راهنما: رضامراد صحرایی، حیات عامری. دانشگاه تربیت

مدرس.

۳. نیلی‌پور، مریم؛ قائمی‌نیا، علی رضا؛ نصرتی، شعبان. ذهن. (۶۶)، ۹۳-۱۱۸.

۴. Semantics.

۵. semantique .

۶. M. Breal.

۷. Ferdinand de Saussure (۱۸۵۷-۱۹۱۳) .

۸. Historical- Philological Semantics.

معنی‌شناسی ساختگرا^۱، معنی‌شناسی نوساختگرا^۲ و معنی‌شناسی شناختی^۳ (گیررتس، ۱۳۹۸، ص ۲۰). در پژوهش حاضر، روش تحلیل توزیع پیکره‌ای و نظریه شبکه‌های شعاعی برای شناخت معنای واژه تأویل در قرآن به کار گرفته می‌شود.

۳-۱. تحلیل توزیع پیکره‌ای و کاربرد آن در قرآن

تحلیل توزیع پیکره‌ای یا معنی‌شناسی توزیعی، روشی نوساختگراست که با الهام از روابط هم‌نشینی و جانشینی در رویکرد ساختگرا، از جنبه کاربردمداری از آن فاصله گرفته است. این روش بر مبنای فرضیه توزیعی که بیان می‌کند «واژگان با ویژگی‌های توزیعی مشابه معانی مشابه دارند» (Harris, 1954, p.156)، با مقایسه واژگان بر اساس توزیع در پیکره^۴ محدوده معنایی آن‌ها را مشخص می‌کند. ویژگی‌های توزیعی یک واژه، سندهای^۵ حاوی آن و یا واژه (عبارت^۶)‌های هم‌وقوع با آن هستند؛ که دو الگوی واژه- سند و واژه- عبارت را شکل می‌دهند. الگوی اخیر با لحاظ رابطه دستوری، یا بدون آن با لحاظ پنجره بافتی با تعدادی واژه، اجرا می‌شود (Lenci, 2018, p. 158). بردار بافتی^۷ واژه شامل بسامدهای هم‌وقوعی واژه با ویژگی‌هاست و ماتریس هم‌وقوعی^۸ از مجموعه بردارهای بافتی شکل می‌گیرد. برای به دست آوردن مشابهت معنایی^۹ دو واژه، کسینوس زاویه بردارهای بافتی آن‌ها محاسبه می‌شود؛ که عددی بین صفر (کمترین مشابهت) و یک (بیشترین مشابهت) است (Schutze, 1992, p. 787). با محاسبه مشابهت واژگان می‌توان نقشه معنایی آن‌ها را رسم و محدوده معنایی واژگان را تعیین کرد.

1. Structuralist Semantics.

2. Neostructuralist.

3. Cognitive Semantics .

۴. پیکره (Corpus) مجموعه‌ای از نمونه‌های زبانی دارای ویژگی‌های بافتی و یا موقعیتی مشترک است که برای اظهار نظر درباره کاربرد زبان استفاده می‌شود (کرافورد و سزومی، ۱۳۹۹، ص ۱۰).

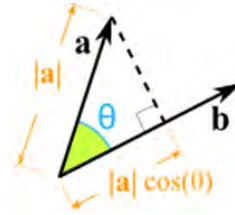
5. documents.

6. term.

7. context vector.

8. co-occurrence matrix.

9. semantic similarity.



$$a = (a_1 \cdot a_2 \cdot \dots)$$

$$b = (b_1 \cdot b_2 \cdot \dots)$$

$$a \cdot b = a_1 b_1 + a_2 b_2 + \dots$$

$$\text{sim}(a \text{ و } b) = \cos \theta = \frac{a \cdot b}{|a| \cdot |b|} = \frac{a_1 b_1 + a_2 b_2 + \dots}{\sqrt{(a_1^2 + a_2^2 + \dots) \cdot (b_1^2 + b_2^2 + \dots)}}$$

در اجراء، مراحل دیگر مانند پیش‌پردازش زبانی و وزن‌دهی اعمال می‌شود. پیش‌پردازش، شامل ابهام‌زدایی از واژگان (گزینش معنایی ویژه از هر واژه)، حذف واژه‌های غیر مفید (ایست‌واژه‌ها)^۱ و ریشه‌یابی (گزینش صیغه‌هایی از یک ریشه) است (Sahlgren, 2006, pp. 71, 72). وزن‌دهی هم‌وقوعی‌ها نیز با لحاظ تفاوت ارزش آن‌ها انجام می‌شود. در الگوی واژه-سند، هم‌وقوعی سندهای کوتاه‌تر و واژه‌های کم‌تکرارتر در اسناد مختلف، ارزش بیشتری دارد (قاعده TFIDF^۲) (Ibid, p.31, 32) و در الگوی واژه-عبارت، هرچه هم‌وقوعی مشاهده شده، از هم‌وقوعی مورد انتظار (بر اساس قانون احتمالات) بیشتر باشد، ارزشمندتر است (برای نمونه قاعده PPMI^۳) (Lenci, 2018, p.155).

اگرچه مشابهت توزیعی واژگان بیانگر مشابهت معنایی آن‌هاست، نوع رابطه معنایی را نشان نمی‌دهد و استفاده از روش‌های ترکیبی مانند توجه به لغت‌نامه‌ها و اطلاعات زبانی، پیشنهاد می‌شود (Lenci, 2018, p.162). نمونه‌هایی از کاربردهای معنی‌شناسی توزیعی، شناخت معنای واژگان در مقایسه با واژگان دیگر، ابهام‌زدایی از واژگان چندمعنا و کشف چگونگی تغییرات زمانی معنای واژگان است (Boleda, 2020, p.223).

۱ . stop words.

۲ . Term Frequency. Inverse Document Frequency.

۳ . Positive Pointwise Mutual Information.

برای استفاده از معنی‌شناسی توزیعی در قرآن، واژگانی با حداقلی از بسامد در قرآن برای تحلیل مناسب‌اند. برخی چالش‌های کاربری قرآنی معنی‌شناسی توزیعی عبارت‌اند از: ۱. حجم کم متن قرآن در مقایسه با پیکره‌های طبیعی رایج؛ ۲. تفاوت زیاد طول سوره‌ها، با لحاظ سوره به عنوان سند؛ ۳. عدم امکان محاسبه دقیق بسامدهای هم‌وقوعی در یافتن مصادیقی از مفاهیم. برای برون‌رفت از چالش اول، اعتقاد به تقدس متن و ارزشمندی داده‌ها بدون رخدادهای دقتی، حکمت‌گوینده قرآن و توجه ویژه به مبنای روش (فرضیه توزیعی) راه‌گشاست. اگرچه استفاده از رکوعات قرآنی در جایگاه سند، راهی برای برون‌رفت از چالش دوم است، اختلاف نظر در مورد آن و محدودیت نرم‌افزارها، دشواری‌هایی ایجاد می‌کند. بنابراین به‌کارگیری هم‌زمان الگوهای مختلف برای پیاده‌سازی مؤثرتر روش پیشنهاد می‌شود. برون‌رفت از چالش سوم نیز با نگاه به معنی‌شناسی توزیعی در جایگاه یک راهنما برای نزدیک شدن به معنای واژگان، در کنار روش‌های مفهومی امکان‌پذیر است. در نهایت برای بهره‌گیری از این روش در قرآن، لازم است نکات منحصر به هر واژه مورد توجه قرار گیرد (نک. ذوعلم و نیلساز، آماده انتشار).

۲-۳. نظریه شبکه‌های شعاعی و کاربری آن در قرآن

نظریه شبکه‌های شعاعی در معنی‌شناسی شناختی، روش تحلیل چندمعنایی^۱ از این رویکرد است که بر مبنای مقوله‌بندی پیش‌نمونه‌بنیاد،^۲ برای هر واژه، معنایی مرکزی تعیین، و دیگر معنای واژه را حول آن سامان‌دهی می‌کند (گیررتس، ۱۳۹۸، ص ۳۸۴ و ۳۸۵). این معانی با سازوکارهای استعاره و مجاز از معنای مرکزی منشعب، و پس از مدتی به‌صورت معنای اصلی واژه در حافظه معنایی سخنگویان ذخیره شده‌اند. مراحل رسم شبکه شعاعی معنا برای یک واژه، شامل تعیین معنای متمایز و تعیین معنای پیش‌نمونه^۳ (سرنمون^۴) است که برای حروف اضافه و دیگر مقوله‌های واژگانی معیارهای متفاوتی دارد. معیارهای تمایز معنا برای مقوله‌های اسم و فعل شامل معیار

1. Polysemy.

2. prototype based categorization.

3. Prototype.

4. Protoscene.

معنایی،^۱ و یکی از دو معیار شرح مفهومی^۲ (واژه‌هایی که با آن به کار رفته است) و معیار دستوری^۳ است. در این مقوله‌ها، به دلیل باز بودن آن‌ها و احتمال حذف معنای اولیه تاریخی از حافظه معنایی، بر خلاف حروف اضافه، معنای سرنمون غیر از معنای اولیه تاریخی (مبدأ)، معنای مرجع^۴ معرفی شده؛ که در شبکه معنایی هم‌زمانی یک واژه، نقشی مرکزی دارد. معیارهای تعیین معنای مرجع در مقوله‌های واژگانی اسم و فعل شامل نخستین معنای تاریخی تأییدشده، غلبه در شبکه معنایی، قابلیت پیش‌بینی سایر معنای، داشتن پیشینه شناختی قابل قبول، و ارتباط با تجربه زیسته انسانی هستند (Evans, 2004, p. 92-97).

مزیت به‌کارگیری این نظریه در قرآن بر روش‌های سنتی رایج، ایجاد ارتباط میان معانی مختلف و امکان‌پذیری معنای بر اساس شبکه معنایی است. به دلیل ریشه‌محور بودن واژگان عربی، مراحل به اجرای روش افزوده می‌شود که عبارت‌اند از: تعیین واژه مرکزی کل ریشه (واژه سرنمونی) با استفاده از معیارهای معنای مرجع، اضافه شدن معیار «کوتاهی» به معیارهای واژه سرنمونی و «عدم تناظر دقیق میان وزن و معنا» برای معنای سرنمون آن، رسم شبکه شعاعی معنا برای واژه سرنمونی، و سپس برای کل واژگان ریشه (نک. ذوعلم و دیگران، ۱۴۰۱).

۴. معنی‌شناسی تأویل در قرآن

تأویل بر وزن تفعلیل از ریشه «أول»، دارای هفده کاربرد در قرآن، در موضوعات مختلف و تنها کاربرد قرآنی ریشه اول به اتفاق نظر لغت‌شناسان است.^۵ در این پژوهش برای شناخت معنای واژه تأویل در قرآن، به دلیل معنای قرآنی مختلف این واژه، از نظریه شبکه‌های شعاعی و به دلیل اختلاف نظر در مورد معنای این واژه، از

1. meaning criterion.

2. concept elaboration criterion.

3. grammatical criterion.

4. sanctioning sense.

۵. در مورد ریشه واژه «أول» میان ریشه اول و وول اختلاف نظر وجود دارد (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۶۸؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۳۲۷ و ۳۲۸). به نظر می‌رسد برخی بر اساس پذیرش ریشه اول برای آن، یکی از معنای ریشه را ابتدای امر دانسته‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۸).

معنی‌شناسی توزیعی (بر پایهٔ بافت کاربردی) استفاده می‌شود. به این منظور گونه‌ای تلفیق دو روش با شروع از مراحل مستقل‌تر و نزدیکی گام‌به‌گام به معنا پیشنهاد می‌شود. پس از بیان دیدگاه لغت‌شناسان، ابتدا شبکهٔ معنایی ریشهٔ اول، بدون لحاظ واژهٔ تأویل و برای ایجاد نگرشی کلی رسم می‌شود. سپس از معنی‌شناسی توزیعی در دو مرحلهٔ ابهام‌زدایی از تأویل و مقایسهٔ آن با واژگانی استفاده می‌شود که نقش کلیدی در روشن شدن معنای تأویل در قرآن دارند. این واژگان که توجه به آیات، روایات و نظریات تأویل، حوزهٔ معنایی تأویل، نامیده می‌شوند^۱ شامل ظهر، بطن، نزل،^۲ فسر^۳، عبر^۴، فصل و حکم^۵ هستند. پس از توجه به روابط مفهومی برای دستیابی به معنای دقیق‌تر تأویل، شبکهٔ معنایی ریشهٔ اول با معنای واژهٔ تأویل تکمیل می‌شود.

۴- ۱. لغت‌شناسی واژگان ریشهٔ اول

برخی از واژگان و معنای‌ای که لغت‌شناسان ذیل ریشهٔ اول بررسی کرده‌اند، عبارت‌اند از:

- آل (فعل ثلاثی مجرد): رجوع کرد، منتهی شد، غلیظ شد (با فاعل برخی مایعات)، رفت (با فاعل گوشت شتر به معنای «لاغر شد»)، سیاست کرد و اصلاح کرد (با مفعول مردم، ملک و مال)، بر امری به خوبی قیام کرد (با مفعول مال، شتر)، سرپرستی کرد (با حرف جرّ «علی»)، جمع کرد، بازگشت / اِرْتَدَّ (با حرف جرّ عن):

۱. استفاده از کاربردهای واژه در متون برای تعیین حوزهٔ معنایی یک واژه، روش «سیاقی» نامیده شده است (قائم‌نیا، ۱۳۹۹- ب، ج ۲، ص ۳۳ و ۳۴).

۲. در روایت مشهوری از امام باقر^(ع) ظهر قرآن تنزیل آن، و بطن قرآن تأویل آن دانسته شده است (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۹۶).

۳. ریشهٔ فسر به دلیل مقایسهٔ این واژه از سوی بسیاری پژوهشگران با تأویل (نک: زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۲)، در این حوزه بررسی می‌شود.

۴. «يا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ / قَالُوا أَصْغَاثُ أَخْلَامٍ وَ مَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَخْلَامِ بِعَالَمِينَ» (یوسف: ۴۳ و ۴۴).

۵. هم‌نشینی تفصیل با تأویل کتاب (یونس: ۳۷ و ۳۹؛ الأعراف: ۵۲ و ۵۳)، محکم با تأویل (آل عمران: ۷) و تفصیل با احکام (هود: ۱) موجب بررسی ریشه‌های فصل و حکم در حوزهٔ معنایی تأویل شده است.

- آل (اسم): اصل وجود هر چیز، ستون (برای خیمه)، چوب، تابوت، استخوان (شتر)، اطراف (کوه)، خویشاوند، اهل و عیال (انسان)؛
- آله: یک آل، چوبی که خیمه بر آن بنا می‌شود، اداة، حالة؛
- اثتال: سیاست یا اصلاح؛
- تأویل: تغییر، رجوع دادن، بازگرداندن (با حرف الی)، رجوع به اصل، تدبیر، تفسیر کردن (برای کلام)،^۱ عاقبت، عبارت/تعبیر (برای رؤیا)، گیاهی برای خوراک برخی چهارپایان^۲ (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۵۸، ۳۵۹ و ۳۶۸؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۳۱۴ - ۳۳۰؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۶۲۷ - ۱۶۲۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۸ - ۱۶۲؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۹۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۱ - ۳۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۱ - ۳۵).

۴-۲. بررسی واژگان ریشه‌أول (بدون واژه‌ تأویل) از منظر نظریه شبکه‌های شعاعی

به‌منظور تحلیل معنای تأویل در قرآن، در گام اول بدون لحاظ این واژه، تمایز معانی واژگان ریشه‌أول بررسی، و واژه‌ سرنمونی و معنای سرنمون آن تعیین می‌شود. ریشه‌ برخی از اختلاف‌ها در مورد معنای واژگان و از جمله واژگان ریشه‌أول، تفاوت برداشت از معنای آن‌ها در متون است. نیز بعضی معانی به نظر می‌رسد از طریق اشتقاق‌های کبیر و اکبر، به آن راه یافته است. بنابراین ابتدا معانی مورد تأیید از سوی چند لغت‌شناس، و غیر مرتبط با اشتقاق‌ها گزینش می‌شود. برای فعل آل دو معنای «جمع کردن» (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۳۲۹) و «انتهای امر» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵۹)^۳ به ندرت بیان شده و قابل حذف است. معنای «حالة» برای

۱. لغت‌شناسان ذیل این معنا، به دیدگاه‌های مختلف در تفاوت میان تأویل و تفسیر پرداخته‌اند؛ که گزارش مفصلی از این موارد در تاج العروس آمده است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۲).

۲. واژه‌ تأویل به دلیل عدم ذکر در قرآن و وابستگی شناخت معنای آن به معنای تأویل، در این پژوهش بررسی نمی‌شود.

۳. ابن فارس برخلاف سایر لغت‌شناسان که فعل آل را برای مایعات (به‌معنای غلیظ شدن) به «رجوع» پیوند داده‌اند، با ربط آن به معنای انتهای امر، بیان می‌کند «[مایع] جز در انتهای امر غلیظ نمی‌شود» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵۹).

«آلة»، به نظر می‌رسد بر اساس اشتقاق اکبر ریشه «أول» (حول) ذکر شده باشد و در معنای اهل و خویشاوند برای واژه آل نیز، به یکی بودن یا اشتقاق آن‌ها اشاره شده (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۴؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۹۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۷)؛ که معنی اطراف کوه نیز، مشابه آن است. بنابراین از معنای واژگان ریشه اول، خانواده (آل) و حالة (آلة) حذف می‌شود.

۴-۲-۱- بررسی تمایز معنای واژگان ریشه اول

تمایز معنای یک واژه با استفاده از معیار معنایی و یکی از دو معیار شرح مفهومی و دستوری صورت می‌گیرد. معنای بیان شده برای فعل «آل» شامل رجوع کرد، غلیظ شد، لاغر شد، و سرپرستی کرد، از نظر معنایی و شرح مفهومی متفاوت‌اند و بنابراین متمایز شمرده می‌شوند. دو معنای اصلاح کردن و بر امری به خوبی قیام کردن از نظر معنا و مصداق تفاوت چندانی ندارند و متمایز نیستند. معنای اسم «آل»، شامل معنای ستون خیمه، چوب، تابوت، استخوان و اصل وجود هر چیز، و نیز دو معنای واژه آلة، شامل «یک ستون» و «اداة» (وسیله)، با لحاظ این دو معیار متمایزاند.

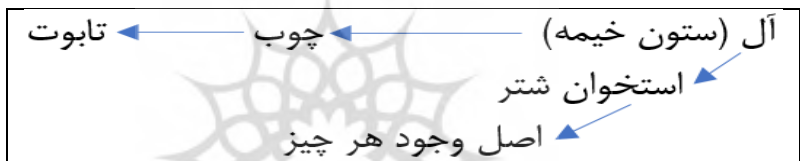
۴-۲-۲- تعیین سرنمون ریشه اول

برای تعیین سرنمون ریشه اول، ملاک‌های معنای مرجع در اسم و فعل بررسی می‌شود. در معیار اول (نخستین معنای تاریخی تأیید شده)، بررسی اولین فرهنگ عربی موجود، واژه آل (اسم) به معنای استخوان، ستون خیمه، اطراف کوه و خانواده، و فعل آل به معنای غلیظ کردن مایعات را به دست می‌دهد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۵۸). معیار دوم (غلبه معنایی یا وجود مؤلفه‌های معنایی در معنای دیگر) در واژه «آل» به معنای «ستون خیمه» مشاهده می‌شود. جنس ستون در معنای چوب و تابوت، کارکرد سبب بودن آن در واژه آلة به معنای اداة (وسیله)، و کارکرد اصل بودن آن در معنای استخوان، غلیظ شدن، لاغر شدن و به‌طور کلی رجوع به اصل مشاهده می‌شود؛ که معنای اصلاح، تدبیر، و سرپرستی (با مؤلفه مشترک پرداختن به امری مهم) از آن گرفته شده است. معیار سوم (قابلیت پیش‌بینی سایر معنای) نیز مؤید واژه آل (ستون) در جایگاه سرنمون است؛ که معنای چوب، و تابوت بر اساس مجاز؛ معنای استخوان و به‌صورت کلی‌تر اصل وجود یک چیز، «آلة» به معنای اداة

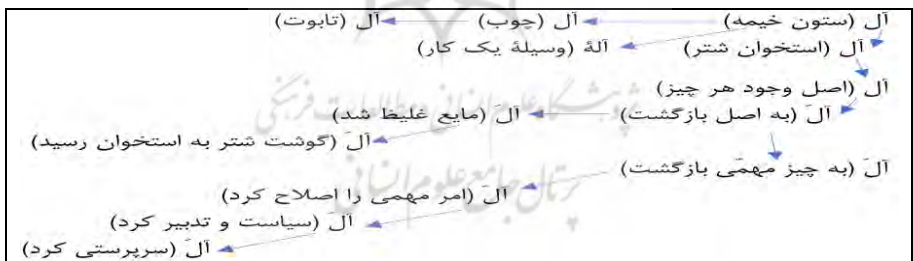
(وسيله)، و «آل» به معنای رجوع به اصل، غلیظ شدن و لاغر شدن با سازوکار استعاره؛ و معانی اصلاح، سیاست و سرپرستی نیز با مجاز به آن مرتبط است. معیار چهارم (دارا بودن پیشینه شناختی قابل قبول)، بر اساس اصل بدنمندی (شناخت با تجربه‌های بدنی)، و معیار پنجم (ارتباط با تجربه زیسته انسانی) بر پایه فرهنگ کوچ نشینی زندگی قبیله‌ای اعراب عصر نزول نیز، مؤید همین واژه و معناست و معیار ششم (کوتاهی و عدم تناظر دقیق وزن و معنا) نیز با آن مطابقت دارد.

با در نظر گرفتن مجموعی این معیارها، واژه سرنمونی «آل»، به معنای «ستون خیمه»، برای ریشه اول به دست می‌آید. بر این اساس شبکه شعاعی معنا برای واژه سرنمونی و کل واژگان ریشه (بدون تأویل) رسم می‌شود.

۴-۲-۳- شبکه شعاعی معنای واژه سرنمونی «آل»



۴-۲-۴- شبکه شعاعی معنای ریشه اول



۴-۳- معنی‌شناسی تأویل در قرآن با استفاده از روش توزیعی

معنی‌شناسی توزیعی واژه تأویل در قرآن، با ابهام‌زدایی و سپس با مقایسه با واژگان حوزه معنایی تأویل انجام می‌شود.

۴-۳-۱- ابهام زدایی از معانی واژه تأویل در قرآن، به روش توزیعی

ابهام‌زدایی به روش توزیعی، با نسبت دادن بردارهای متفاوت به هر معنی بر اساس هم‌نشین اصلی آن و مقایسه آن‌ها انجام می‌شود. هفده کاربرد قرآنی واژه تأویل در پنج دسته کلی شامل تأویل کتاب پنج بار (آل عمران: ۷؛ الأعراف: ۵۳؛ یونس: ۳۹)؛ تأویل احادیث، سه بار (یوسف: ۶، ۲۱، ۱۰۱)؛ تأویل رؤیا یا احلام، پنج بار (یوسف: ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰)؛ تأویل عمل، دو بار (الکهف: ۷۸ و ۸۲)؛ و دو کاربرد در نقش تمیز «تأویلاً» (الإسراء: ۳۵؛ النساء: ۵۹). تقسیم می‌شود؛ که ابتدا با الگوی واژه-سند، بر اساس وقوع در سوره‌های مختلف مقایسه می‌شود.

	آل عمران	نساء	انعام	اعراف	یونس	یوسف	اسراء	کهف
تأویل (قرآن یا کتاب)	۲	۰	۰	۲	۱	۰	۰	۰
تأویل (رؤیا یا احلام)	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۰	۰
تأویل (احادیث)	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰
تأویل (عمل)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲
تأویلاً (تمیز)	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰

با توجه به این ماتریس، مشابهت دو معنای «تأویل رؤیا و احلام» و «تأویل احادیث» برابر با «یک» (مشابهت کامل دو معنا) و برای سایر معانی صفر به دست می‌آید؛^۱ که مؤید دیدگاه پژوهشگران در مشابهت معنایی این دو است.

در مرحله بعد با ادغام دو معنای تأویل رؤیا و تأویل احادیث، از الگوی واژه- عبارت با در نظر گرفتن پنجره بافتی استفاده می‌شود. در این الگو لحاظ همه ویژگی‌های توزیعی (واژگان) در محاسبه غیر رایانه‌ای امکان‌پذیر نیست و تنها واژگانی به عنوان ویژگی توزیعی انتخاب می‌شوند که با بیش از یکی از کاربردهای تأویل، هم‌نشین‌اند (علم، نبأ، یأتی و خیر). برای پیش‌پردازش زبانی، در ریشه‌یابی، واژه‌های علم و نبأ با همه واژگان هم‌ریشه‌شان، و واژه‌های یأتی و خیر بدون در نظر گرفتن واژگان هم‌ریشه

۱. این نتیجه با وزن دهی عناصر ماتریس تغییر نمی‌کند.

لحاظ می‌شود. در ابهام‌زدایی نیز، از ریشه علم، واژه «عالمین» به دلیل عدم ارتباط معنایی، و از کاربردهای فعل «یاتی»، کاربرد با حرف «ب» (متعدی) حذف می‌شود. ماتریس هم‌وقوعی برای مقایسه معانی مختلف واژه تأویل، با پیشنهاد پنجره بافتی ۵واژه‌ای (پس از حذف ایست‌واژه‌ها) چنین است^۱:

	علم (۷۵۳)	نبأ (۹۱)	یاتی (۸۸)	خَیر (۱۶۲)
تأویل قرآن یا کتاب (۵)	۴	۰	۳	۰
تأویل رؤیا و احادیث (۸)	۵	۳	۲	۰
تأویل عمل (۲)	۰	۱	۰	۰
تأویلاً (۲)	۱	۰	۰	۲

به دلیل کم‌بسامد بودن واژه تأویل در قرآن، اطلاعات مرتبط با مفاهیم قرآنی از ابتدا در ماتریس وارد می‌شود (روش ترکیبی). برای نمونه رابطه تنگاتنگ علم را با تأویل عمل، در علم لدنی خضر^(ع) در ابتدای داستان (الکهف: ۶۵)، و عدم رابطه معنایی علم با تأویل در نقش تمیز در آیه‌های ۳۵ و ۳۶ سوره الإسراء^۲ با وجود هم‌وقوعی این دو، در ماتریس وارد می‌شود و با لحاظ قاعده PPMI^۳ ماتریس وزن‌دهی شده به دست می‌آید:^۴

	علم	نبأ	یاتی	خَیر

۱. تعداد کاربردهای قرآنی هر واژه داخل کمانک ذکر شده است.

۲. وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا / وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ...

۳. قاعده PPMI با لحاظ پنجره بافتی n واژه‌ای در یک متن با N واژه و بسامدهای m و m' برای دو واژه و بسامد هم‌وقوعی f چنین است (ذوعلم و نیلساز، آماده انتشار)

$$\text{قاعده PPMI: } \begin{cases} \log_2 \left(\frac{p_{\text{obs}}}{p_{\text{exp}}} \right) = \log_2 \left(\frac{f \times N}{n \times m \times m'} \right) & \text{اگر } p_{\text{obs}} > p_{\text{exp}} \\ 0 & \text{اگر } p_{\text{obs}} \leq p_{\text{exp}} \end{cases}$$

۴. برای متن قرآن با توجه به محاسبه نسبت کل واژه‌ها و ایست‌واژه‌ها در چند سوره، این مقدار ۵۲۱۳۰ واژه به دست آمده است (ذوعلم و نیلساز، آماده انتشار).

تأویل قرآن یا کتاب	۳/۴۵	۰	۶/۱۵	۰
تأویل رؤیا و حدیث	۳/۱۱	۵/۴۲	۴/۷۳	۰
تأویل عمل	۲/۷۹	۵/۸۴	۰	۰
تأویلاً	۰	۰	۰	۶/۰۰

از طریق محاسبه کسینوس زاویه بردارهای بافتی، مشابهت میان معانی مختلف تأویل تعیین می‌شود:^۱

تأویل قرآن یا کتاب	۱			
تأویل رؤیا و حدیث	۰/۷۳	۱		
تأویل عمل	۰/۲۱	۰/۸۰	۱	
تأویلاً	۰	۰	۰	۱
	تأویل قرآن یا کتاب	تأویل رؤیا و حدیث	تأویل عمل	تأویلاً

نتیجه این محاسبات، دورتر بودن معنای تأویل در دو آیه در نقش تمیز، از معانی دیگر است: یکی در موضوع رجوع به خدا و رسول (ص) برای داوری،^۲ و دیگری به کارگیری وزنه درست.^۳ وجه مشترک آن‌ها رجوع به معیاری درست است؛ که با یادآوری معنای «رجوع به اصل» برای «اول»، این کاربرد تأویل «مراجعه به معیار» به دست می‌آید.^۴ معنای تأویل در کاربردهای دیگر، با مقایسه با واژگان حوزه معنایی آن تحقیق می‌شود.

^۱ . مشابهت میان واژگان، در صورت لحاظ همه واژگان در ماتریس هم‌وقوعی، بسیار کمتر از نتایج حاضر به دست می‌آید. اما از آنجاکه هدف پژوهش مقایسه میزان مشابهت معانی مختلف است، مقدار تک‌تک یافته‌ها اهمیت چندانی ندارد.

^۲ . فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (النساء: ۵۹).

^۳ . وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَ زَنُوا بِالْقَيْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (الإسراء: ۳۵).

^۴ . کاربرد فعل أَوَّلٌ در بیان برخی لغت‌شناسان مؤید این معناست: أَوَّلُ الْحُكْمِ إِلَى أَهْلِهِ، یعنی أَرْجَعُهُ وَ رَدَّهُ إِلَيْهِمْ (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵۹).

۴-۳-۲- مقایسه تأویل و واژگان هم‌حوزه با آن در قرآن، به روش

توزیعی

واژه تأویل در ۱۵ کاربرد غیر از تمیز، در نقش مضاف، به دو جنبه از یک پدیده اشاره دارد: اصل وجود پدیده و جنبه دیگری از آن. بنابراین از واژگان حوزه معنایی تأویل (ریشه‌های ظهر، بطن، نزل، عبر، فسر، فصل و حکم) نیز، معانی اشاره‌کننده به دو جنبه از پدیده، با آن مقایسه می‌شود (ابهام‌زدایی). از ظهر و بطن، معانی مرتبط با «آشکار» و «پنهان»، از عبر، گذشتن از جنبه‌ای از پدیده به جنبه دیگر (فهمیدن، نشانه)؛ از نزل، فرود غیر مکانی؛ از حکم و فصل، برخی کاربردهای احکام و مُحکَم و فعل فَصَّلَ به معنای جدا کردن پدیده‌ای بسیط (خلل ناپذیر/ مُحکَم)، انتخاب و ریشه فسر (تک‌آمد) حذف می‌شود. ویژگی‌های توزیعی تأویل در الگوی واژه- عبارت، مضاف‌الیه آن (مفعول فعلِ أوَّل) هستند و ویژگی‌های توزیعی دیگر واژگان نیز، چنین رابطه‌ای با واژه دارند.

امر	خداوند	(ایجاد ناگهانی) پدیده قابل حس ظاهری	فرشته و روح (برای وحی)	احساس غیر مادی	دنیا (موجودات و رخدادهای)	نمونه‌هایی از عمل انسان	رؤیا	حدیث/ قول	وحی، کتاب، قرآن	تأویل (۱۵)
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۵	۳	۵	۰
۰	۱	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۰
۱	۱	۰	۰	۰	۱	۳	۰	۱	۰	۰
۲	۰	۲۲	۲	۱۲	۱۳	۰	۰	۱	۱۸۶	۰
۰	۰	۰	۰	۰	۷	۰	۱	۰	۰	۰

تفصیل (۲۴)	۱۴	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۱	۰	۱
حکم (۲۹)	۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱

عدم امکان ابهام‌زدایی از واژه کتاب به دلیل اختلاف نظر در مورد برخی کاربردهای آن، و عدم امکان وزن‌دهی دقیق، به دلیل دشواری محاسبه بسامد مصادیق «دنیا» یا «عمل»، موجب استفاده از روش توزیعی صرفاً برای درک کلیت شباهت واژگان، در جایگاه مقدمه و راهنما برای استفاده از روش‌های مفهومی است. ماتریس هم‌وقوعی دیگر در تبیین معنای «تأویل کتاب»، جانشینانی را برای آن، به واسطه هم‌نشینی با «هل ينظرون إلا» و «یأتی» (ویژگی توزیعی) در شش آیه (البقرة: ۲۱۰؛ الانعام: ۱۵۸؛ الاعراف: ۵۳؛ النحل: ۳۳؛ الزخرف: ۶۶؛ محمد: ۱۸) به دست می‌دهد.^۲ مشابهت این جانشینان با ویژگی‌های توزیعی واژگان هم‌حوزه با تأویل در ماتریس هم‌وقوعی پیشین جالب توجه است.^۳ در این آیات، سخن از انتظار وقوع یک رخداد، قیامت، یا رخدادهای مشابه آن است.

	«هل ينظرون إلا» و «یأتی»
تأویل کتاب	۱
خداوند	۲
ملائکه	۳
بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ	۱
أَمْرٌ رَبِّكَ	۱
السَّاعَةَ	۲

۱. نزدیکی معنایی فرق با تفصیل، و هم‌وقوعی امر با فرق (الدخان: ۴) موجب این بسامد شده است.
 ۲. اگرچه لازم است ماتریس هم‌وقوعی با ویژگی‌های توزیعی زیادی تشکیل شود، از آنجاکه دو عبارت مذکور با هم، تنها شش بار در قرآن به کار رفته‌اند، با ملاحظات آماری می‌توان هم‌وقوعی این دو با واژگان یادشده را در مشابهت معنایی آن‌ها بسیار مؤثر دانست.
 ۳. السَّاعَةَ (قیامت)، زمان رسیدن آخرت است که جانشین تأویل کتاب شده و طبق آیه «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (الروم: ۷)، باطن دنیا است (جانشینی باطن دنیا از تأویل کتاب).

۴-۴- بررسی مفهومی تأویل در قرآن در ارتباط با مفاهیم دیگر

روابط مفهومی میان واژگان در جایگاه مکمل معنی‌شناسی توزیعی تأویل، نکاتی را در معنای این واژه آشکار می‌سازد. با مقایسه تأویل کتاب، با مفاهیم دیگر ماتریس هم‌وقوعی به دست می‌آید روز قیامت، روز آمدن باطن دنیا، آمدن تأویل کتاب، ظهور کامل امر خداوند، نزول آشکار فرشتگان، و آمدن خداوند (ظاهر و باطن) است. مشابه نزول امر خدا در آفرینش دنیا (با تفصیل نشانه‌ها در خلقت)، نزول قرآن نیز تفصیل کتاب است. این، پایان کار است؛ که در درجاتی ظاهر می‌شود؛ تا نهایتاً قیامت (ظهور کامل امر) رخ دهد.^۱ همان‌گونه که رسیدن باطن دنیا، جریان‌ی در جهت خلاف تفصیل (فتق) در زمان خلقت آن است، رسیدن تأویل کتاب نیز جریان‌ی معکوس تفصیل یا تنزیل است. هم‌وقوعی تفصیل و تأویل در موضوع کتاب (یونس: ۳۷ و ۳۹؛ اعراف: ۵۲ و ۵۳) نشانه‌ای بر این مدعا است.

برای دستیابی به مفهوم تأویل در قرآن در موضوعات مختلف، از دیدگاه پژوهشگران برای بیان ارتباط میان تأویل و نگاشت، با اشاره به یکی از باورهای کهن جهانی در جایگاه الگویی برای شناخت پیوندهای استعاری، یعنی «زنجیره بزرگ هستی»^۲ استفاده می‌شود. این الگو با تأکید بر طبقه‌بندی موجودات بر اساس بهره‌مندی از وجود، پایه تبیین ضرب‌المثل و رؤیا در جایگاه تمثیل یک پدیده در قالب پدیده‌ای دیگر است. بر این اساس برخی تأویل رؤیا را، یافتن نگاشت‌های میان حوزه‌های مبدأ و مقصد با توجه به مراتب هستی دانسته‌اند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۹- الف، ص ۴۳۹ - ۴۴۵).^۳ کشف این نگاشت، مشابه وابستگی تشخیص استعاره و مجاز به دانش و توان ذهنی (گیررتس، ۱۳۹۸، ص ۵۳۱ و ۵۳۲) وابسته به علم است که در

۱. در روایات، رجعت (ظهور امر پیش از قیامت) «آمدن بعضی آیات خدا» (قمی، ۱۳۸۳، ص ۹۱۳، زیارت آل‌یس)؛ ظهور، رجعت و قیامت مصداق ایام الله (ابن‌بابویه (صدوق)، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۱۰۸)؛ و آمدن تأویل کتاب (یونس: ۳۹) مرتبط با رجعت شمرده شده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۲۲).

۲. The Great Chain of Being.

۳. «نگاشت» (mapping) اصطلاحی برگرفته از ریاضیات در زبان‌شناسی شناختی است؛ که برای شناخت واژه تأویل از آن به عاریت گرفته می‌شود.

قرآن با تأکید بر علم به تأویل احادیث بیان شده است. این علم، با دیدگاهی که حدیث را وقایع متصور برای انسان (اعم از رؤیا) می‌داند، پی بردن به منشأ حوادث از ظاهر آن‌هاست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۸۰). تأویل سخن (گونه‌ای حدیث) نیز، در یک مرحله مفهوم مدّ نظر گوینده، و در مرحله بعد حقیقت منشأ ایجاد مفهوم است؛ که یادآور دو مرحله شکل‌گیری زبان در رویکرد شناختی است: ایجاد بازنمودهای ذهنی با نگاشت از جهان خارج؛ و پدید آمدن زبان با سازوکارهای ذهنی (نک: افراسی، ۱۳۹۵، ص ۱۸-۲۱).

بیان قرآن از نحوه مثل زدن خداوند (الرعد: ۱۷)^۱ که آن را شامل قول و فعل او (آفرینش) دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۶۱)، در واقع نگاشت حقایقی واحد را، در قرآن و در آفرینش دنیا را نشان می‌دهد. تمثّل در قرآن نیز دو سطح دارد: تمثّل حقیقتی خارجی در معارف، و بیان این مفاهیم در قالب زبان (همان، ص ۶۴). بنابراین تأویل قرآن (احسن الحدیث) در یک درجه، بازگرداندن فضای تفصیل شده زبانی به مفاهیم؛ و سپس بازگرداندن مفاهیم به حقایق است.^۲ نزول این حقایق در قالب دنیا بیانگر تناظر میان آمدن تأویل قرآن و باطن دنیا در قیامت است. بر این اساس می‌توان واژه‌های تأویل و نگاشت را، دارای «تقابل دوسویه»^۳ دانست. «عالم» به تأویل از «ظاهر» نگاشت «عبور» می‌کند و آن را به منشأ پوشیده آن، «باطن»، بازمی‌گرداند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أوديةً بِقَدْرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رابياً وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ.

۲. تأویل در این معنا در قرآن، به مفهوم مؤول و متناظر با دو معنای ذکرشده، مفاهیم منشأ الفاظ (در آل عمران: ۷) و حقایق منشأ مفاهیم (در الاعراف: ۵۳ و یونس: ۳۹) است. البته علامه طباطبایی به این دو، عنوان تأویل نمی‌دهد، و تأویل قرآن را تنها حقایق خارجی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۴۶-۴۹ و ۵۴).

۳. symmetrical opposition. نمونه‌هایی از این تقابل، میان «خریدار و فروشنده» است (نک: صفوی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۱۸ و ۱۱۹).

۴-۵- معنی‌شناسی تأویل در قرآن با بهره‌گیری از نظریه

شبکه‌های شعاعی

با تعیین معانی مختلف واژه تأویل و تمایز آن‌ها، شبکه معنایی ریشه اول تکمیل و شبکه معنایی تأویل رسم می‌شود.

۴-۵-۱- تعیین معانی واژه تأویل

معانی واژه تأویل با بررسی دیدگاه‌های لغت‌شناسان و نتیجه به دست آمده از معنی‌شناسی توزیعی تعیین می‌شود.

برای واژه تأویل در لغت‌نامه‌ها این معانی آمده است: تغییر، بازگرداندن، رجوع دادن به اصل، تدبیر، تفسیر (کلام)، عاقبت، عبارت/تعبیر (رؤیا)، گیاهی برای خوراک برخی چهارپایان (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۶۸؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۳۲۹-۳۳۰؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۶۲۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۶۲؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۹۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۱ و ۳۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۲ و ۳۳)؛ که از مجموعه این معانی، موارد نادر، معانی برداشتی از متون بدون استناد قوی، و معانی مرتبط با اشتقاق کبیر و اکبر حذف می‌شود. به نظر می‌رسد ذکر معنای «عاقبت» برای تأویل، بر اساس نظر برخی مفسران در موضوع تأویل کتاب (ابن قتیبه، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۱۴؛ همان، ج ۱، ص ۲۱۶)؛ رجوع همه چیز در انتهای کار به سوی خداوند؛ و یا معنای برداشتی از عبارت «ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (النساء: ۵۹، الإسراء: ۳۵) بوده است. اما عده‌ای در دو آیه اخیر، بر اساس معنای رجوع برای اول، تأویل را مصلحت نهفته در پس یک حکم، که عملاً بر غایت حکم منطبق شده، معنا کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۹۲ و ۳۴۹). «تأویل کتاب» نیز با توجه به نتیجه معنی‌شناسی توزیعی، حقیقت اصلی منشأ شکل‌گیری کتاب به دست آمد. از آنجاکه در کاربردهای قرآنی، معانی مستندتر به معنای اصلی ریشه، اولویت دارد، معنای «عاقبت»، ابتداءً حذف می‌شود تا در ادامه پژوهش بررسی شود. نیز به نظر می‌رسد معنای «تفسیر» برای تأویل، با توجه به توضیحات لغت‌شناسان در تفاوت میان تفسیر و تأویل، از متون دوره‌های پس از نزول به دست آمده و قابل

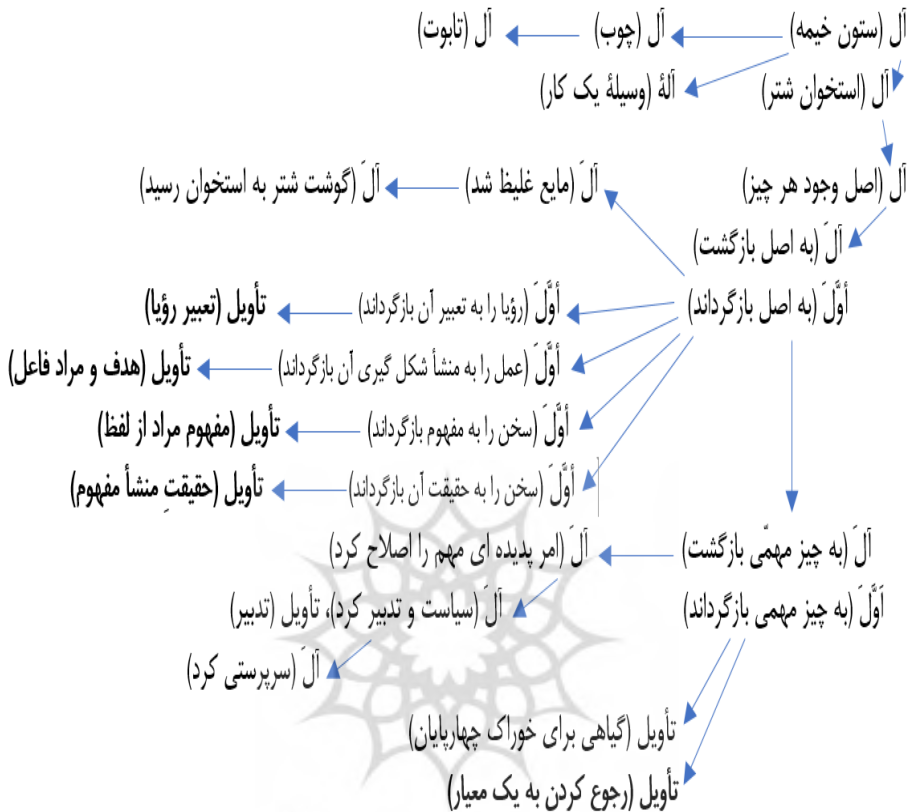
حذف است. معنای «تغییر» برای تأویل نیز به ندرت ذکر شده (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۳۲۹) و احتمالاً بر پایه اشتقاق اکبر ریشه «أول» (حول) و قابل حذف است. علاوه بر معانی بیان شده در بررسی لغت‌نامه‌ها، در نتیجه معنی‌شناسی توزیعی تأویل در قرآن دو معنای کلی «رجوع به یک معیار» (معنای مصدری) و «چیزی که نگاشت آن، به صورت پدیده‌ای ظاهر شده» به دست آمد. معنای اخیر در قرآن، در موضوع رؤیا مشابه بیان لغت‌شناسان تعبیر، در موضوع عمل، منشأ شکل‌گیری عمل (نیت و هدف فاعل) و در موضوع قرآن به دو معنای مفاهیم منشأ الفاظ و حقایق منشأ مفاهیم است.

۴-۵-۲- بررسی تمایز معانی واژه تأویل

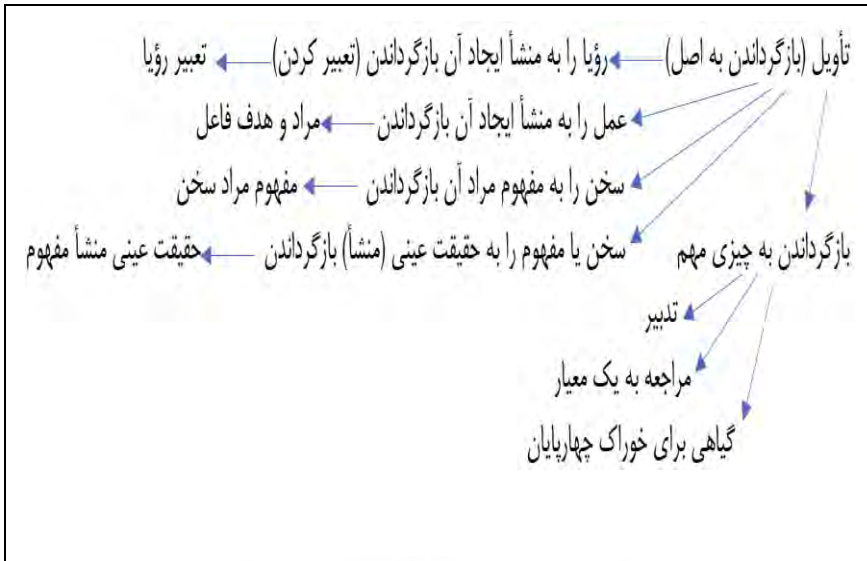
تشخیص تمایز معنای واژه تأویل با لحاظ معیار تفاوت معنایی و یکی از دو معیار تفاوت در شرح مفهومی و تفاوت دستوری صورت می‌گیرد. معنای رجوع دادن به اصل با معنای بازگرداندن به چیزی دیگر، از نظر معنایی و شرح مفهومی متفاوت و بنابراین متمایزند. معانی تدبیر، گیاهی برای خوراک چهارپایان، و تعبیر رؤیا نیز با این دو معیار، متمایز از معانی پیش‌گفته‌اند. تأویل رؤیا علاوه بر عمل تعبیر کردن، بر آنچه با این عمل به دست می‌آید نیز اطلاق می‌شود، که معنایی متمایز است (معیار دستوری).

از طریق معنی‌شناسی توزیعی تأویل در قرآن، علاوه بر تعبیر رؤیا، معنای رجوع (دادن) به یک معیار، منشأ عمل، مفاهیم عبارات قرآنی و حقایق منشأ مفاهیم به دست آمد. معنای رجوع به معیار همان معنای بازگرداندن در بیان لغت‌شناسان است. معنای منشأ عمل نیز با لحاظ دو معیار معنایی و شرح مفهومی از معنای قبل متمایز است. دو معنای ذکر شده برای تأویل قرآن نیز، اولاً با معنای پیش‌گفته از لحاظ معنایی و شرح مفهومی تفاوت دارند و ثانیاً با داشتن تفاوت معنایی و نیز تفاوت در شرح مفهومی کاربرد فعل «یأتی»، با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین در قرآن پنج معنای متمایز برای تأویل به دست می‌آید. پس از تکمیل شبکه شعاعی ریشه اول، با معنای متمایز به دست آمده برای واژه تأویل، شبکه معنایی واژه تأویل نیز رسم می‌شود.

۴-۵-۳- تکمیل شبکه معنایی ریشه‌اؤل، با معانی واژه تأویل



۴-۵-۴- شبکه معنایی واژه تأویل در قرآن



• جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برای شناخت معنای تأویل در قرآن از تلفیق معنی‌شناسی توزیعی و نظریه شبکه‌های شعاعی استفاده شد.

ابتدا ریشه اول (بدون لحاظ واژه تأویل)، با نظریه شبکه‌های شعاعی بررسی شد. واژه سرمنونی «آل» به معنای «ستون خیمه» موجب ایجاد معانی استخوان شتر و اصل وجود یک چیز برای واژه آل؛ رجوع به اصل، غلیظ شدن، لاغر شدن، تدبیر، سیاست و سرپرستی، برای فعل آل؛ و معنای یک ستون و وسیله برای واژه آله، شده است.

معنی‌شناسی توزیعی برای شناخت واژه تأویل در قرآن با دو هدف مقایسه معانی این واژه (ابهام‌زدایی) و مقایسه آن با واژگان حوزه معنایی تأویل انجام شد. در ابهام‌زدایی به دست آمد که معنای تأویل در قرآن به چهار دسته شامل تأویل کتاب، تأویل رؤیا و احادیث، تأویل عمل، و تأویل در نقش تمیز (تأویلاً) تقسیم می‌شود که در دسته اخیر، با فاصله از کاربردهای دیگر، به معنای «بازگرداندن چیزی به معیار» است. در سه دسته اول (تأویل در جایگاه مضاف)، دو جنبه از یک پدیده مد نظر است: «خود پدیده و تأویل آن». در مقایسه تأویل با واژگان حوزه معنایی آن، با لحاظ

معنایی از آن‌ها که به دو جنبه از یک پدیده اشاره دارد، و با وام‌گیری مفهوم نگاشت از معنی‌شناسی شناختی، به دست آمد که تأویل در سه کاربرد تأویل کتاب، تأویل رؤیا و تأویل عمل، دارای تقابل دوسویه با نگاشت است؛ که برای رؤیا، تعبیر آن، برای عمل، مراد و هدف فاعل، و برای کتاب (قرآن) دارای دو معنای مفهوم منشأ لفظ یا حقیقت منشأ مفهوم می‌باشد. در این موارد، پدیده تأویل پذیر، «نشانه» تأویل آن است و اصلی دارد که در فضایی دیگر نگاشته شده است. بنابراین پنج معنا از تأویل در قرآن به دست آمد.

با بهره‌گیری از نظریه شبکه‌های شعاعی، پس از شناخت تمایز معانی به دست آمده از تأویل، شبکه معنایی ریشه اول تکمیل، و شبکه معنایی واژه تأویل رسم شد. بر این اساس برخی معانی نسبت داده شده به واژه تأویل در قرآن قابل سنجش است. معنای «تفسیر» در بیان برخی لغت‌شناسان را می‌توان به صورت دقیق‌تر همان مفهوم کلام (قرآن) دانست؛ که تطورات معنایی این واژه پس از زمان نزول قرآن، تفاوت‌هایی میان تفسیر و تأویل ایجاد کرده است. معنای «عاقبت» نیز علاوه بر این که در کاربردهای قرآنی دقیق به نظر نمی‌رسد و ظاهراً بر اساس مفهوم کلی برداشت شده از آیات بیان شده، در شبکه معنایی ریشه اول، پیوند آشکاری با دیگر معانی ندارد و با توجه به امکان نسبت معنایی دقیق‌تر منطبق با معنای ریشه در این کاربردها، مقبول نیست.

منابع

- قرآن کریم.
- ۱. ابن بابویه، محمدبن علی / شیخ صدوق (۱۳۶۲). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین.
- ۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۳. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ق). *تفسیر غریب القرآن*. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ۴. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- ۵. ازهری، محمدبن احمد (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۶. افراشی، آریتا (۱۳۹۵ش). *مبانی معناشناسی شناختی*. تهران: پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی.

۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۳۷۶ق). *الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)*. بیروت: دار العلم للملایین.
۸. ذوعلم، آسیه؛ نیل ساز، نصرت (آماده انتشار). کاربست معنی‌شناسی توزیعی در قرآن، مطالعه نمونه موردی ریشه - واژه فرح. *جستارهای زبانی*.
۹. ذوعلم، آسیه؛ نیل ساز، نصرت؛ عامری، حیات؛ غروی نایینی، نهله (۱۴۰۱). چندمعنایی اسم و فعل در نظریه شبکه‌های شعاعی و کاربست آن در قرآن. *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*. ۱۱۰ (۱)، صص ۷۹ - ۹۹.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم.
۱۱. زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر.
۱۲. صفوی، کورش (۱۳۹۹ش). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
۱۳. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر عیاشی*. تهران: المطبعة العلمية.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
۱۷. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۹۹). *استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۹۹). *معناشناسی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. قمی، عباس (۱۳۸۳). *کلیات مفاتیح الجنان*. تهران: دانش هوشیار.
۲۰. کالر، جانانان (۱۹۸۶م). *فردینان دو سوسور*. ترجمه کورش صفوی (۱۳۹۳). تهران: هرمس.
۲۱. کرافورد، جی ویلیام؛ سزومی، انیکو (۲۰۱۶م). *زبان‌شناسی پیکره‌ای در عمل*. ترجمه محسن نوبخت (۱۳۹۹). تهران: سمت.
۲۲. گیرترس، دیرک (۲۰۱۰م). *نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی*. ترجمه کورش صفوی (۱۳۹۸). تهران: نشر علمی.

23. Boleda, G. (2020). Distributional Semantics and Linguistic Theory, *Annual Review of Linguistics*, 6, 213- 234.

24. Evans, V. (2004). *The Structure of Time, language, meaning and temporal cognition*. Amsterdam: Johk Benjamins.

25. Harris, Z. S. (1954). Distributional Structure. *WORD*, 10:2-3, 146-162.
26. Lenci, A. (2018). Distributional Models of Word Meaning. *Annual Review of Linguistics*, 4, 151-71.
27. Sahlgren, M. (2006). *The Word-Space Model, Doctoral Dissertation*. Stockholm University, Printed by universitetsservice US-AB, Sweden.
28. Schutze, H. (1992). dimensions of meaning, In ACM/IEEE conference on Supercomputing, 787-796.
29. Turney, P. D. (2010). From Frequency to Meaning: Vector Space Models of Semantics, *Journal of Artificial Intelligence Research*, 37, 141-188.



References

- The Holy Qur'an
- 1. Ibn Fāris, Ahmad (1404 AH), *Mu'jam Maqāyīs al-Lughā*, Qom: Maktab al-'A'lām al-Islāmī. [In Arabic]
- 2. Ibn Qutaiba. 'A. (1990), *Tafsir Qarib al-Qur'an*, Beirut: Dār va Maktaba al-hilal. [In Arabic]
- 3. Ibn Manzūr, Muhammad bin Mukrim (1414 AH), *Lisān al-'Arab*, Beirut: Dār Sādir. [In Arabic]
- 4. Ibn Bābūyeh, Muhammad bin Ali/ Shakh Ṣadūq (1362 SH), *Al-Khiṣāl*, Qum: Jāmi'ah Mudarrisīn. [In Arabic]
- 5. Azharī, Muhammad bin Ahmad (1421 AH), *Tahzīb al-Lughā*, Beirut: Dār 'Ihyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- 6. Afrashi. A. (1395 SH), *Introducing Cognitive Semantics*, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In persian]
- 7. Jawhari. I. (1956), *Tāj al-Lughah va Ṣeḥāḥ al-'Arabiyyah*, Beirut: Dār Al'ilm Almullāin. [In Arabic]
- 8. Zouelm, Asieh; Nilsaz Nosrat (In press), "The application of distributinal semantics in the Qur'an, a case study of the root-word "Farah"", *Language Related Research*. [In persian]
- 9. Zouelm, Asieh; Nilsaz Nosrat; Ameri, Hayat; Gharavi Naeeni, Nahleh (1401 SH), "Polysemy of Noun and Verb in the Theory of Radial Networks and its Application in the Qur'an", *Journal of Literary – Qur'anic Researches*, 10(1), pp. 79- 99. [In persian]
- 10. Rāghib Isfahānī, Husein bin Muhammad (1412 AH), *Mufradāt Alfāz al-Qur'an*, 2nd ed, Beirut: Dār al-Qalam. [In Arabic]
- 11. Zubaydī, Muhammad bin Muhammad (1414 AH), *Tāj al-'Arūs*, Beirut: Dār al-Fikr. [In Arabic]
- 12. Safavi, Kurosh (1399 AH), *An Introduction to Semantics*, Tehran: Sourey-e- Mehr. [In persian]
- 13. Saffār, Muhammad bin Hasan (1404 AH), *Basā'ir al- Darajāt Fī Fadā'il Al Muhammad (PBUH)*, Qum: Ma'jaba AyatAllāh al-Mar'ashī al-Najafī. [In Arabic]

14. Tabātabā'i, Muhammad Husein (1390 AH), *Tafsīr Al-Mīzān*, Beirut: Mu'assesa al-A'lami al-Matbū'āt. [In Arabic]
15. 'Ayyāshī, Muhammad bin Mas'ūd (1380 AH), *Tafsīr 'Ayyāshī*, Tehran: al-Matba'a al-'Ilmiyya. [In Arabic]
16. Farāhidi. Khalil bin Ahmad (1409 AH). *Ketāb Al'Ain*. Qom: Hejrat. [In Arabic]
17. Ghā'eminiā, Alirezā (1399 SH). *Conceotual Metaphors and the Spaces of the Qur'an*, Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In persian]
18. Ghā'eminiā, Alirezā (1399 SH), *Semantics*, Qum: Research institute of hawza and university. [In persian]
19. Qumi, 'Abbas (1383 SH), *Kulliāt Mafātīh al-Janān*, Tehran: Danesh Hooshyar. [In persian]
20. Culler, Jonathan D (1986), *Ferdinand de Saussure*, [translator: Kurosh Safavi,] Tehran: Hermes. [In persian]
21. Crawford, William j; Csomay, Eniko (2016). *Doing Corpus Linguistics*, [translator: Mohsen Nobakht,] Tehran: Samt. [In persian]
22. Geeraerts, Dirak (2010), *Theories of Lexical Semantics*, [translator: Kurosh Safavi,] Tehran: Nashre Elmi. [In persian]
23. Boleda, Gemma. (2020), "Distributional Semantics and Linguistic Theory", *Annual Review of Linguistics*, 6, 213- 234.
24. Evans, Vyvyan (2004), *The Structure of Time, language, meaning and temporal cognition*, Amsterdam: Johk Benjamins.
25. Harris, Zellig S (1954), "Distributional Structure", *WORD*, 10:2-3, pp. 146-162.
26. Lenci, Alessandro (2018), "Distributional Models of Word Meaning", *Annual Review of Linguistics*, 4, pp. 151–71.